



بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای معتادان

فاطمه شاکری^۱، الهام فتحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

چکیده

هدف: هدف از تحقیق بررسی نقش میانجی‌گر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای در مراجعین به مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر بود. **روش:** بدین منظور به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی تعداد ۲۳۴ نفر از معتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های سبک‌های دل‌بستگی (هازن و شیور، ۱۹۸۷)، سبک‌های مقابله‌ای فولکمن و لازاروس (۱۹۸۵)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۸) در بین آن‌ها اجرا شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک متغیر میانجی بین سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله‌ای عمل نمی‌نماید. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از تحلیل ضرایب نشان داد، با شناخت سبک‌های دل‌بستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و استفاده از سبک‌های مقابله‌ای می‌توان از ابتلا به اعتیاد جلوگیری نمود.

کلید واژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های مقابله‌ای

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران، پست الکترونیکی:

fatemeh.shkeri1357@gmail.com

۲. استادیار گروه مشاوره و مددکاری اجتماعی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر بیماری زیستی، روانی و اجتماعی است و آسیب‌های ژرفی را به جامعه تحمیل می‌کند و به ویژه امنیت اجتماعی را زیر سوال می‌برد (ولاسکوئز، ۲۰۰۱). ایران در همسایگی بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر دنیا است و حدود ۹۰۰ کیلومتر با افغانستان و پاکستان مرز مشترک دارد. بر پایه جدیدترین آمار ارائه شده، در ایران جمعیتی بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰۰ معتاد دائمی و حدود ۸۰۰۰۰۰۰ معتاد تفننی وجود دارد. بر اساس گزارشات منتشر شده سالانه بالغ بر ۴۰۰۰ نفر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر در کشور جان خود را از دست می‌دهند. کشور ایران به دلیل جوان بودن جمعیت، دشواری زیادی در زمینه اعتیاد دارد. این عارضه امروز در افراد جوان شایع‌تر است و سن ابتلای آن به شیوه چشمگیری کاهش یافته است. به نظر می‌رسد آمار معتادان به مراتب بیش از برآورد آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر (حدود ۲ میلیون نفر) باشد و برخی از منابع غیر رسمی، جمعیت معتادان کشور را تا ۳۳۰۰۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند. خسارت اقتصادی ناشی از سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران سالانه حدود ۷۰۰ میلیارد تومان است. دامنه تأثیر اعتیاد از این جهت اهمیت دارد که پیامد و خیم آن تنها گریبان فرد معتاد را نمی‌گیرد، بلکه خانواده، دوستان و همکاران نیز در معرض آثار ویرانگر و خانمان‌سوز آن قرار خواهند گرفت (حاجیان، خیرخواه و فلاطونی، ۱۳۹۲).

از آنجا که اعتیاد یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی است، پس بررسی علل و عوامل اثر گذار در گرایش به مصرف مواد دارای اهمیت است. سوء مصرف مواد را نمی‌توان صرفاً مشکلی جسمانی، روانی یا اجتماعی دانست و پیدایش آن را بایستی نتیجه‌ی تعامل چندین مشکل دانست (مؤسسه‌ی ملی سوء مصرف مواد، ۲۰۰۷). هر چه تعداد عوامل خطر ساز در یک فرد بیشتر باشد، احتمال مصرف مواد نیز افزایش می‌یابد (مسکنی و جعفرزاده فخار، ۱۳۸۷). عده‌ی زیادی از معتادان افرادی هستند که دارای نارسایی‌ها و ناپختگی‌های شخصیتی بوده‌اند و از طریق برخورد و ایجاد رابطه‌ی وابستگی با افراد معتاد به این راه سوق یافتند (جزایری، هژبر، پورشهباز و رضایی، ۱۳۸۳).

در ۵۰ سال گذشته، تحقیقات بسیاری در چارچوب بررسی ارتباط سوء مصرف مواد و سازه‌های شخصیت انجام شده اما به سه عامل مهم طرح‌واره‌ها، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای در تحقیقات داخلی توجه کمتری شده است. در واقع به نظر می‌رسد برای درمان اختلالات مزمن و مقاوم در برابر درمان تأکید بر محتوا، فرآیند پردازش فکری و کارکردن در سطح افکار خودآیند منفی و باورهای هسته‌ای بیماران، کافی نباشد و باید به طرح‌واره‌های شناختی بیماران، به خصوص طرح‌واره‌های شناختی ناسازگار، به عنوان پایه‌ای‌ترین و ابتدایی‌ترین سطوح شناختی، توجه بیشتری کرد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷).

الگوی طرح‌واره محور، طرح‌واره را به عنوان موضوعی گسترده و فراگیر که شامل هیجان، حافظه و شناخت راجع به خود شخص یا ارتباط با دیگران است در نظر می‌گیرد. طرح‌واره در دوره کودکی یا نوجوانی رشد و پرورش می‌یابد و چگونگی تفکر انسان از محرک‌ها را هدایت کرده و در طول زندگی پیچیده و تا حد زیادی ناکارآمد می‌شود (سو کلی، تلک، فیلیپوویتس، تاکاس، یونوکا و سیمون^۱، ۲۰۱۱). به عقیده مارتین و یانگ^۲ (۲۰۱۰) طرح‌واره‌ها پدیده‌های روانی هستند که از طریق ایجاد راهبردهای مقابله‌ای رفتار بیرونی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. یانگ مجموعه‌ای از طرح‌واره‌ها را شناسایی نمود که به آن‌ها طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌گویند (یانگ، کلاسکو و ویشار^۳، ۲۰۰۳؛ لوب بستیل و وریسویچ و آرنتز^۴، ۲۰۰۸). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به موضوعات بی‌نهایت ثابت و مداومی بر می‌گردد که در طی دوران کودکی رشد یافته‌اند، در طول زندگی فرد ثابت هستند و به عنوان الگوهایی برای پردازش تجربیات بعدی به کار گرفته می‌شوند (رافائل، برنستین و یانگ^۵، ۲۰۱۱؛ یانگ، کلاسکو و ویشار^۳، ۲۰۰۳). این طرح‌واره‌ها مرتبط با خویشتن و دنیای فرد بوده و براساس تجارب گذشته او ساخته شده‌اند (لیهی^۶، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱). یانگ معتقد است که طرح‌واره‌های

1. Csukly, Telek, Filipovits, Takács, Unoka & Simon
2. Martin & Young
3. Young, Klosko & Weishaar

4. Lobbetael, Vreeswijk & Arntz
5. Rafaeli, Bernstein & Young
6. Lehi

ناسازگار اولیه از نیازهای برآورده نشده دوران کودکی به وجود آمده‌اند، که یکی از مهمترین این نیازها، نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران می‌باشد (یانگ، ۱۹۹۴). از نظر بالبی نیز دلبستگی یکی از نیازهای بنیادین انسان‌هاست و پیوند عاطفی عمیقی است که فرد با افراد خاصی که رابطه‌ای نزدیک با وی دارند، برقرار می‌کند (برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۱). طبق نظریه بالبی (۱۹۶۹) در خلال سال‌های اولیه‌ی رشد، افراد بر حسب تجارب‌شان با مراقبان دلبستگی و تعامل با جهان مادی، الگوهای فعال درونی خود را به وجود می‌آورند که به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را ادراک و تفسیر کرده، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند (هازن و شایور^۱، ۱۹۸۷). مدل‌های دلبستگی با طرح‌واره‌های شناختی قدیمی یا عقاید ما در مورد خودمان و دیگران ارتباط نزدیک دارند و به تعاملات بین فردی اثر گذاشته و از آن‌ها تاثیر می‌پذیرند. در نتیجه منشا پیدایش سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تجربیات کودکی می‌باشد که در رابطه با مراقبان شکل می‌گیرد (جانسون، ۲۰۰۳؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۸). همچنین پلاتس، تیسون و ماسون^۲ (۲۰۰۲) ذکر کرده‌اند که مفهوم مدل‌های فعال‌ساز درونی دلبستگی ارتباط روشنی با طرح‌واره‌ها دارد. الگوی این ارتباط که در نتیجه تعامل با مراقبان اولیه است کارکردهای عاطفی و روان‌شناختی بعدی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. شواهد نشان داده دلبستگی‌های ناایمن با سطوح بالای اختلالات هیجانی در جوانی همراه است (بروماریو و کرنز^۳، ۲۰۱۰؛ کولونسی^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). از زمانی که ارتباط بین دلبستگی و آسیب‌های روانی به وسیله‌ی بالبی مطرح شد، تحقیقات بسیاری در زمینه‌ی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و شکل‌های مختلف آسیب‌های روانی انجام گرفته است (دوزیر، استوال مک کلوک و آلبوس^۵، ۲۰۰۸).

سبک‌های دلبستگی تعیین‌کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی هستند که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کنند. نظریه دلبستگی یکی از تحولات بسیار مهم در حوزه روان‌شناسی معاصر است. پژوهش‌گرانی همچون

1. Hazan & Shaver
2. Platts, Tyson & Mason
3. Brumariu & Kerns

4. Colonnese
5. Dozier, Stovall-McClough & Albus

بالبی (۱۹۸۸) دلبستگی را تحت عنوان سه سبک دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا مطرح کرده و این سه سبک را در بزرگسالی مورد تأیید قرار داده‌اند (هازن و شیور، ۱۹۸۷).

سبک‌های مقابله‌ای تلاش‌های رفتاری و شناختی، برای اداره خواست‌های بیرونی یا درونی هستند که از سوی فرد تهدید کننده یا آسیب‌زا تلقی می‌شوند (لازاروس^۱، ۱۹۹۳؛ شرایدن و رادماچر^۲، ۱۹۹۲). اغلب پژوهش‌گران مقابله را تلاش فرد برای کاهش استرس می‌دانند. برخی این تلاش‌ها را هشیار و منطقی، برخی در جهت تسلط و برخی در جهت اداره و مهار استرس دانسته و آن‌ها را به صورت سبک‌های مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی مطرح می‌کنند. مقابله مسئله‌مدار مجموعه شیوه‌هایی است که فرد به منظور کاهش یا حذف پیامدهای ناخوشایند استرس، سعی می‌کند بر عامل استرس تسلط یابد. تمرکز بر مسئله است. به این صورت که در مقابله با مشکلات به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا پرداخته و درباره آن فکر می‌کنند، سپس منابعی را که از آن برخوردارند، ارزیابی کرده و برای استفاده از این منابع طراحی و برنامه‌ریزی انجام می‌دهند. افرادی که از مقابله هیجان‌مدار استفاده می‌کنند در برابر مسائل به صورت هیجانی برخورد کرده و عصبانی شدن یا فریاد زدن را برای مقابله با فشار روانی انتخاب می‌کنند. در سبک مقابله اجتنابی افراد از واقعیت فشارزا دور شده و اقدام به فرار و اجتناب می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۴).

یافته‌های پژوهش‌گران درباره ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله نشان می‌دهد که نظام دلبستگی بزرگسالان تحت شرایط تنیدگی‌زا، فعال شده و موجب می‌شود که افراد دارای الگوی ذهنی دلبستگی متفاوت بر اساس شیوه‌هایی که در گذشته آموخته یا تقویت شده‌اند به نظم‌دهی هیجانی و مقابله با عوامل استرس‌زا بپردازند. برای نمونه: در مواجهه با یک حادثه استرس‌زا افراد با سبک دلبستگی ایمن از راهبردهای مقابله‌ای سازش‌یافته‌تری همچون سبک مقابله مسئله‌مدار و افراد با سبک دلبستگی نایمن از راهبردهای مقابله سازش‌نیافته‌ای همچون سبک مقابله هیجان‌مدار و اجتنابی

1. Lazarus

2. Sheridan & Radmacher

استفاده می‌کنند (سیمپسون و رولس^۱، ۱۹۹۴؛ سیمپسون، رولس و نلیگن^۲، ۱۹۹۲؛ فاندلینگ^۳، ۱۹۹۸؛ فینی و کیریک پاتریک^۴، ۱۹۹۶).

دو نظریه دلبستگی و طرح‌واره‌درمانی ترکیب شده‌اند تا تصویر روشن‌تری از چگونگی تاثیر تجارب اولیه بر روی کارکردهای روان‌شناختی بعدی را توصیف کنند. ادبیات تحقیقی کمی وجود دارد که بیان کند چگونه این دو نظریه می‌توانند ترکیب شوند و چگونه می‌توانند یک تصویر کامل‌تری از تاثیرگذاری تجارب اولیه را فراهم کنند (پلاتس، تیسون، ماسون^۵، ۲۰۰۲). بنابراین با توجه به این که سبک‌های دلبستگی نایمن و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای می‌توانند بر کارکردهای روان‌شناختی و ابتلا به آسیب‌های روانی-اجتماعی از جمله اعتیاد تاثیر بگذارند و از سویی با توجه به میزان گستردگی، شیوع و عود بالای اعتیاد و عوارض فردی و اجتماعی آن، باید به عنوان یک اختلال جدی به آن توجه نمود و جهت شناسایی عوامل موثر بر آن تلاش نمود. همان‌گونه که بیان شد، عوامل زیادی بر اعتیاد جوانان اثرگذار است و برخی از آن‌ها به مراحل کودکی افراد برمی‌گردد و ناشی از طرح‌واره‌ها و سبک‌های دلبستگی است.

اصغری، علی‌پور و صیادی (۱۳۹۴) دریافتند که متغیرهای دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه قادر به تبیین درصد بالایی از تغییرپذیری افراد معتاد به تریاک می‌باشند. همچنین بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبتی مشاهده شد. نصیرزاده و کراسکیان (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ساز و کارهای دفاعی در افراد دارای دلبستگی ایمن و نایمن، متفاوت است. همچنین رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تیپ شخصیتی D در افراد دارای دلبستگی ایمن و نایمن و رابطه‌ی بین ساز و کارهای دفاعی و تیپ شخصیتی D در افراد دارای دلبستگی ایمن و نایمن، متفاوت است. جلالوند، سهرابی، دارابی، راستگو و اعظمی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند سبک‌های دلبستگی ایمن و

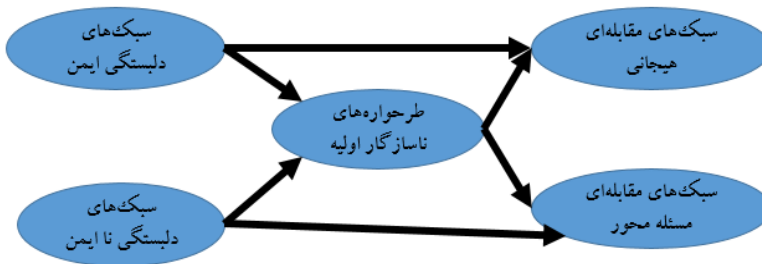
1. Simpson & Rholes
2. Nelligan

3. Fuendling
4. Feeney & Kirkpatrick
5. Platts, Tyson & Mason

ناایمن به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم دارای تاثیر معنادار بر افسردگی می‌باشند. آن‌ها نتیجه گرفتند سبک‌های دلبستگی از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افسردگی را در فرد موجب می‌شوند. پیوسته‌گر، خسروی و کرمی (۱۳۹۵) نشان دادند بین سبک‌های دلبستگی ناایمن در مردان با میزان خشونت آن‌ها علیه همسران‌شان همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین میان تمامی طرح‌واره‌های آن‌ها به جز ۵ مورد (وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خودتحول نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری عاطفی) نیز با خشونت همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج مطالعه تمنایی فر و صنعتکارفر (۱۳۹۵) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سبک مقابله مسئله‌مدار و سبک مقابله اجتنابی رابطه مثبت و با سبک مقابله هیجان‌مدار رابطه منفی دارد. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا با سبک مقابله مسئله‌مدار رابطه منفی و با سبک مقابله هیجان‌مدار و سبک مقابله اجتنابی رابطه مثبت دارد و سبک دلبستگی اجتنابی فقط با سبک مقابله هیجان‌مدار رابطه مثبت دارد.

خسروانی، سیدسروی و الوانی (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان دادند، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه منجر به افزایش اعتیاد معتادان می‌شود. والبرگ و چیاراملو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند ارتباط معناداری بین طرح‌واره‌ها و مکانیسم‌های دفاعی وجود دارد. رولوفز، مسترس و موریس^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مخصوصاً طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی به عنوان یک میانجی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و نشانگان و مشکلات روان‌شناختی از جمله افسردگی و اعتیاد عمل می‌کنند. اونز، ون و بکر^۳ (۲۰۱۱) نشان دادند مقابله فعال به طور منفی با خوردن هیجانی رابطه دارد. در حالی که سبک‌های دلبستگی با خوردن هیجانی رابطه نداشتند. زنان دلبسته ایمن، سبک مقابله‌ای فعال‌تری را نشان دادند و از حمایت اجتماعی بیشتری استفاده کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند دلبستگی ایمن با مقابله فعال و دلبستگی ناایمن با سبک‌های مقابله‌ای بیمارگون‌تر همراه است.

با توجه به این که سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در شکل‌گیری و گرایش افراد به اعتیاد نقش مهمی دارد؛ لذا انجام تحقیق حاضر می‌تواند ضمن شناسایی سبک‌های مقابله‌ای و دلبستگی معتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر، مهم‌ترین سبک‌های مقابله‌ای و دلبستگی این افراد را شناسایی کند و گامی مؤثر در جهت گسترش مفهوم دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای این معتادان برداشته شود. از نتایج به دست آمده می‌توان برای افزایش دانش در راستای پیشگیری و درمان بیماری اعتیاد استفاده نمود. با توجه به موارد بیان شده مدل پیشنهادی مطابق با شکل ۱ می‌باشد.



شکل ۱: مدل مفهومی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی، مقابله‌ای و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر یک تحقیق کاربردی و تحلیلی و توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را معتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای بود. مراکز متعددی برای درمان و همچنین کاهش خسارات وارده به معتادان وجود دارد که یکی از آن‌ها مراکز DIC می‌باشد. خدماتی که در این مراکز گذر ارائه می‌شود حتی‌الامکان توسط گروه‌های هم‌تا و آموزش‌ها بر مبنای آموزش هم‌تایان با هدف افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان مواد، افزایش آگاهی خانواده، ارتباط میان گروه‌های خودیاری، کاهش شیوع خونی‌هایتیت B و C و HIV در معتادان تزریقی می‌باشد. از میان کلیه مراکز ترک اعتیاد، به صورت تصادفی، مراکز ترک اعتیاد و کاهش آسیب دولتی MMD

و DIC شهرستان ابهر و کلینیک ترک اعتیاد آرامش دکتر امامی و کلینیک ترک اعتیاد و سوء مصرف مواد دکتر مهر نصب، مرکز متادون درمانی دکتر حبیبی، مرکز متادون درمانی دکتر قهرمانیان، مرکز متادون درمانی دکتر مرسلی انتخاب شدند. در نهایت ۲۳۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و اطلاعات آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت. لازم به ذکر است که تعداد بیش از ۳۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد ولی به دلیل عدم همکاری معتادان در نهایت تعداد ۲۳۴ پرسش‌نامه کامل جمع‌آوری شد. ملاک‌های ورود در پژوهش عبارت بودند از: رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش، میزان تحصیلات در حد خواندن و نوشتن، مصرف‌کننده مواد مخدر و رجوع به مراکز ترک اعتیاد.

جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم، پس از مراجعه به مراکزهای مذکور و هماهنگی لازم با مسئولین مربوطه اقدامات لازم جهت انجام مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه صورت پذیرفت و پس از جلب اعتماد مبنی بر محرمانه بودن مصاحبه‌های صورت پذیرفته شده، توضیح مختصری درباره موضوع و اهداف پژوهش و پرسش‌نامه‌ها ارائه شد. پس از جلب مشارکت پرسشنامه‌ها ارائه و تکمیل شدند.

ابزار

۱- فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه-یانگ: این فرم با ۷۵ ماده از ۲۰۵ ماده نسخه اصلی است که در سال ۱۹۹۸ به وسیله یانگ برای اندازه‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ساخته شد. سوالات بر اساس مقیاس لیکرت ۱ تا ۶، که با گزینه‌های کاملاً درست (۶)، تقریباً درست (۵)، اندکی درست (۴)، بیشتر درست تا غلط (۳)، تقریباً غلط (۲)، کاملاً غلط (۱) می‌باشند نمره داده می‌شوند. دارای پنج حوزه طرح‌واره‌ای و در کل ۱۵ طرح‌واره ذیل است:

بریدگی و طرد: شامل محرومیت هیجانی (سوالات ۱ تا ۵)، رهاسدگی / بی‌ثباتی (سوالات ۶ تا ۱۰)، بی‌اعتمادی / بد رفتاری (سوالات ۱۱ تا ۱۵)، انزوای اجتماعی / بیگانگی (سوالات ۱۶ تا ۲۰) و نقص / شرم (سوالات ۲۱ تا ۲۵) است. خودگردانی و عملکرد مختل: شامل شکست (سوالات ۲۶ تا ۳۰)، وابستگی / بی‌کفایتی (سوالات ۳۱ تا ۳۵)، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری (سوالات ۳۶ تا ۴۰)، خود تحول نیافته / گرفتار (سوالات ۴۱ تا ۴۵)

است. دیگر جهت‌مندی: شامل اطاعت (سؤالات ۴۶ تا ۵۰)، ایثار (سؤالات ۵۱ تا ۵۵) است. گوش به زنگی بیش از حد و بازداری: شامل بازداری هیجانی (سؤالات ۵۶ تا ۶۰)، معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی (سؤالات ۶۱ تا ۶۵) است. محدودیت‌های مختل: شامل استحقاق/ خودبزرگ بینی (سؤالات ۶۶ تا ۷۰)، خویش‌نماری و خود-انضباطی ناکافی (سؤالات ۷۱ تا ۷۵) است (یانگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳). در هر طرح‌واره، نمره‌ها می‌تواند بین ۵ تا ۳۰ باشد.

۲- پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور: این پرسش‌نامه شامل ۱۵ سوال بوده و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، متوسط-۳، زیاد-۴، خیلی زیاد-۵) می‌سنجد. افراد با توجه به طیف لیکرت از (۱ خیلی کم) تا (۵ خیلی زیاد) که برای هر سؤال قرار داده شده به سؤالات جواب می‌دهند. پنج سوال پرسش‌نامه مربوط به سبک دلبستگی ایمن، پنج سوال مربوط به سبک دلبستگی نایمن/ اجتنابی و پنج سوال مربوط به سبک دلبستگی نایمن/ دوسوگرا می‌باشد. از افراد خواسته می‌شود گزینه‌هایی را انتخاب کنند که سبک مشخص او را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند. خرده‌مقیاسی که فرد نمره بالاتری در آن کسب نماید به عنوان سبک دلبستگی فرد لحاظ می‌شود. سوالات ۱ تا ۵ به سبک اجتنابی، ۶ تا ۱۰ سبک ایمن، و ۱۱ تا ۱۵ به سبک دوسوگرا تعلق دارند. حداقل و حداکثر نمره در خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۵ و ۲۵ می‌باشد. در این تحقیق آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۷ و ۰/۶۹ به دست آمد.

۳- پرسش‌نامه سبک‌های مقابله‌ای فولکمن و لازاروس (۱۹۸۵): این پرسش‌نامه ۶۶ سوال دارد و دو راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار را در مقیاس ۴ درجه‌ای (اصلاً استفاده نکرده‌ام-۱، بعضی اوقات استفاده کرده‌ام-۲، معمولاً از آن استفاده می‌کنم-۳، به میزان زیادی از آن استفاده می‌کنم-۴) می‌سنجد. نمره فرد در هر روش که بیش‌تر باشد روش مقابله فرد به شمار می‌رود. این آزمون دارای ۸ خرده‌مقیاس است. مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی، طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریز-اجتناب، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت است (محمود علیلو، ۱۳۹۰). مقابله

مستقیم: این روش مجموعه رفتارهای تهاجمی است که افراد جهت حل مشکل به کار می‌برند و متضمن درجاتی از ابراز خصومت و به کار بردن ریسک در عملکردهاست (سوالات ۶، ۷، ۱۷، ۲۸، ۳۴ و ۴۶). دوری‌گزینی یا فاصله‌گیری: مجموعه رفتارهای شناختی را ذکر می‌کند که فرد یا گروه برای دوری از منبع ایجادکننده مشکل یا اجتناب از این منبع در جهت کاهش اهمیت آن به کار می‌برند (سوالات ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۱، ۴۱ و ۴۴). خویش‌تنداری یا خودکنترلی: این روش مجموعه عکس‌العمل‌هایی است که واکنش‌های احساساتی افراد را به هنگام برخورد با منبع ایجادکننده مشکل و ممانعت از ابراز این عکس‌العمل‌ها توسط افراد را در بر می‌گیرد (سوالات ۱۰، ۱۴، ۳۵، ۴۳، ۵۴، ۶۲ و ۶۳). طلب حمایت اجتماعی: تلاش‌های فرد برای کسب حمایت‌های اطلاعاتی و حمایت‌های ملموس و حمایت‌های عاطفی را بازگو می‌نماید (سوالات ۸، ۱۸، ۲۲، ۳۱، ۴۲ و ۴۵). پذیرش مسئولیت: این روش شامل مجموعه واکنش‌هایی است که پذیرش نقش فرد در ایجاد مشکل را از طریق تلاش‌های مداوم او در اصلاح موقعیت موجود نشان می‌دهد (سوالات ۹، ۲۵، ۲۹ و ۵۱). گریز-اجتناب: این روش افکار آرزومندانه یا کوشش‌های رفتاری در جهت فرار یا اجتناب از موقعیت مشکل‌زا را توصیف می‌کند و شامل گریز از واقعیت است (سوالات ۵، ۱۱، ۱۶، ۳۳، ۴۰، ۴۷، ۵۰، ۵۸ و ۵۹). حل مسئله برنامه‌ریزی شده یا مسئله‌گشایی برنامه‌ریزی شده: مجموعه افکار و کوشش‌های سنجیده و متمرکز برخورد با مشکل است، توأم باینه کارگیری رویکردهای تحلیل‌گرلیان برای مشکل‌گشایی می‌باشد (سوالات ۱، ۲۶، ۳۹، ۴۸، ۴۹ و ۵۲). ارزیابی مجدد مثبت: مجموعه تلاش‌هایی است که در جهت ایجاد مفاهیم مثبت با توجه به درجه تکامل فردی اطلاق می‌شود. این روش ممکن است ابعاد مذهبی را شامل شود (سوالات ۳، ۲۰، ۲۳، ۳۰، ۳۶، ۳۸ و ۵۶ و ۶۰).

این الگوهای هشت‌گانه به دو دسته روش‌های مسئله‌محور (طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت) و هیجان‌محور (مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، گریز-اجتناب و خودکنترلی) تقسیم شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

نتایج نشان داد ۸۸/۵ درصد پاسخ‌گوها مرد و ۱۱/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. میزان ۵۹ درصد نمونه مورد پژوهش مجرد و ۴۱ درصد متاهل بودند. میزان ۵۹ درصد نمونه مورد پژوهش دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. ۲۳/۱ درصد نیز دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و به ترتیب ۱۳/۷ و ۴/۳ درصد نیز دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۳۵-۴۰ و کمترین رده سنی نیز مربوط به بازه سنی ۴۰-۴۵ سال بوده است. میزان ۸۳ درصد شاغل بودند که از این بین ۴۳/۶ درصد دارای شغل آزاد، ۱۴/۵ درصد کارگر و ۱۶/۷ درصد کارمند و ۸/۱ درصد دارای شغل‌های دیگر بودند. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
مقابله مستقیم	۲/۱۶	۰/۴۱	طلب حمایت اجتماعی	۲/۳۶	۰/۶۸
دوری‌گزینی	۲/۲۶	۰/۵۷	پذیرش مسئولیت	۲/۴۴	۰/۶
خودکنترلی	۲/۴۳	۰/۴۸	حل مسئله برنامه‌ریزی شده	۲/۳۷	۰/۶
گریز	۲/۴۱	۰/۴۲	ارزیابی مجدد مثبت	۲/۳۱	۰/۵۳

ماتریس همبستگی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. بریدگی و طرد	۱						
۲. خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۶۹**	۱					
۳. دیگر جهت‌مندی	۰/۴۳**	۰/۴۱**	۱				
۴. گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۳۹**	۰/۳۹**	۰/۵**	۱			
۵. محدودیت‌های مختل	۰/۵۴**	۰/۴۷**	۰/۴۵**	۰/۳۸**	۱		
۶. دلبستگی اجتنابی	۰/۲۳**	۰/۱۶**	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۳*	۱	
۷. دلبستگی ایمن	۰/۰۲	-۰/۰۷	۰/۱	-۰/۰۷	۰/۰۸	-۰/۰۵	۱
۸. دلبستگی دوسوگرا	۰/۱۴*	۰/۱۶*	۰/۲۴**	۰/۱۴*	۰/۲۲**	۰/۱۹**	۰/۲۵**

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

ماتریس همبستگی سبک‌های مقابله‌ای و سبک‌های دلبستگی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی سبک‌های مقابله‌ای و سبک‌های دلبستگی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. مقابله مستقیم										
۲. دوری‌گزینی	۰/۳۳**									
۳. خودکنترلی	۰/۳۳**	۰/۳۹**								
۴. گریز	۰/۳۴**	۰/۳۳**	۰/۳۹**							
۵. طلب حمایت اجتماعی	۰/۲۹**	۰/۲۱**	۰/۴۳**	۰/۱۰						
۶. پذیرش مسئولیت	۰/۱۵**	۰/۳۶**	۰/۵۲**	۰/۲۸**	۰/۵۱**					
۷. حل مسئله	۰/۱۲*	۰/۴۱**	۰/۶۳**	۰/۱۸	۰/۵۴**	۰/۶۵**				
۸. ارزیابی مجدد مثبت	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۵۴**	۰/۱۹**	۰/۴۴**	۰/۵۲**	۰/۶۲**			
۹. دلبستگی اجتنابی	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۲۲**	-۰/۱۵*	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۰		
۱۰. دلبستگی ایمن	۰/۲۳**	۰/۱۳*	۰/۰۸	۰/۱۰**	۰/۱۱	۰/۱۵*	۰/۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۵	
۱۱. دلبستگی دوسوگرا	۰/۱۴*	-۰/۰۵	۰/۱۵*	۰/۲۲*	۰/۰۷	۰/۱۴*	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۹*	۰/۳۰**

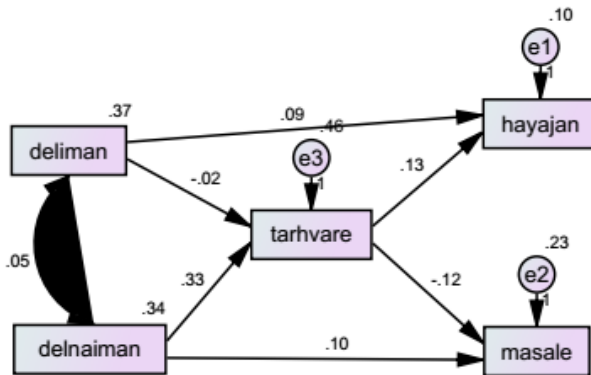
* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

جهت بررسی این مسئله که طر حواره‌های ناسازگار اولیه بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای معتادان مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر نقش میانجی ایفا می‌کند، از تحلیل مسیر استفاده شد. قبل از این کار باید از برازش مدل اطمینان پیدا کرد. شاخص‌های برازش در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: آماره‌های تکویی برازش مدل

شاخص برازش	نام کامل	بازه قابل قبول	مقدار محاسبه شده
CMIN/DF	حداقل اختلاف تابع با درجه آزادی تقسیم شده	خوب > ۳؛ قابل قبول > ۵	۴/۵
GFI	شاخص برازش مدل	< ۰/۹	۰/۹
AGFI	شاخص برازش مدل تعدیل شده	< ۰/۸	۰/۸۱
IFI	شاخص مناسب افزایشی	< ۰/۹	۰/۸
TLI	شاخص تا کر لوئیس	< ۰/۹	۰/۷۹
CFI	شاخص برازش تطبیقی	< ۰/۹	۰/۸۱
PNFI	شاخص تناسب پارسیمونیا	< ۰/۵	۰/۶۳
PCFI	شاخص برازش تطبیقی پارسیمونیا	< ۰/۵	۰/۶۵
RMSEA	ریشه میانگین خطای مربع تقریبی	خوب > ۰/۰۸؛ متوسط ۰/۰۸ تا ۰/۱؛ ضعیف < ۰/۱	۰/۰۴

نتایج حاصل از تحلیل ضرایب مسیر بین متغیرها و مقدار t مدل مفهومی آزمون شده نشان می‌دهد، سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله‌ای رابطه معناداری دارند. همچنین با ورود متغیر میانجی طرح‌واره مقدار ضریب مسیر تغییر پیدا کرده ولی از آنجائی که مقدار ضریب محاسبه شده معنادار نمی‌باشد؛ لذا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک متغیر میانجی بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای عمل نمی‌نمایند.



شکل ۲: آزمون تحلیل مسیر در حالت کلی

بحث و نتیجه‌گیری

سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله‌ای رابطه معناداری نشان دادند. همچنین با ورود متغیر میانجی طرح‌واره مقدار ضریب مسیر تغییر پیدا کرده ولی از آنجائی که مقدار ضریب محاسبه شده معنادار نمی‌باشد؛ لذا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک متغیر میانجی بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای عمل نمی‌نمایند. در خصوص فرضیه فوق با توجه به جستجوهای متعدد مطالعه‌ای یافت نشد. بیشتر مطالعات انجام شده به بررسی ارتباط دو به دو این متغیرها پرداخته‌اند که می‌توان به مطالعات تمنایی فر و صنعتکارفر (۱۳۹۵) و حمیدی، شاره و حجت (۱۳۹۴) اشاره نمود. برخی از مطالعات نیز به بررسی ارتباط بین دو متغیر از متغیرهای فوق به همراه متغیر سوم پرداخته‌اند. به عنوان مثال اصغری، و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود نتیجه گرفتند که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

و سبک‌های دل‌بستگی نایمن در بروز رفتارهای ناسازگار و تغییرپذیری معتادین به تریاک بسیار مؤثر می‌باشند. در تحقیق دیگر نصیرزاده و کراسکیان (۱۳۹۶) نشان دادند رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ساز و کارهای دفاعی در افراد دارای دل‌بستگی ایمن و نایمن با یکدیگر، متفاوت است. جلالوند، سهرابی، دارابی، راستگو و اعظمی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند سبک‌های دل‌بستگی ایمن و نایمن به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم دارای تاثیر معنادار بر افسردگی می‌باشند. یعنی طرح‌واره به عنوان واسطه بین سبک‌های دل‌بستگی و افسردگی دانشجویان عمل می‌نماید. مسعودی، حاتمی، مدرس غروی و بنی جمالی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند بین سبک‌های دل‌بستگی با اضطراب مرگ از طریق میانجی‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه وجود دارد و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه توانسته‌اند به عنوان متغیر میانجی، رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با اضطراب مرگ را تحت تاثیر قرار دهند. رولوفز، مسترس و موریس (۲۰۱۳) نیز در تحقیقی نشان دادند طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مخصوصاً طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی به عنوان یک میانجی در ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و نشانگان و مشکلات روان‌شناختی از جمله افسردگی و اعتیاد عمل می‌کنند.

همانگونه که بیان شد سبک‌های دل‌بستگی از دوران کودکی افراد شکل می‌گیرند. همچنین طرح‌واره‌های ناسازگار نیز از نیازهای برآورده نشده در دوران کودکی نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر منشا پیدایش سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تجربیات کودکی می‌باشد که در رابطه با مراقبان شکل می‌گیرد. از طرف دیگر سبک‌های دل‌بستگی به دو شکل ایمن و نایمن می‌باشد. افرادی که دارای سبک‌های دل‌بستگی ایمن می‌باشند از دل‌بسته شدن به دیگران خوشحال می‌شوند. دلیل این امر در دسترس بودن دیگران (خانواده) به آن‌ها می‌باشد و از طرد شدن توسط دیگران خوشحال نیستند. از سوی دیگر افرادی که دارای سبک‌های دل‌بستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) هستند، از دل‌بسته شدن به افراد مطمئن نیستند و به سختی به آن‌ها دل‌بسته می‌شوند و تمایل دارند به افراد دیگر غیر از خانواده ارتباط داشته باشند. به همین دلیل افرادی که دارای دل‌بستگی نایمن هستند بیشتر در معرض طرح‌واره‌های ناسازگار (نیازهایی که برآورده

نشده‌اند) قرار می‌گیرند. حال افراد برای مقابله با این مشکلات از سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار یا هیجان‌مدار استفاده می‌نمایند. افرادی که از سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار (تلاش شناختی درونی) استفاده می‌کنند در برابر مسائل به صورت هیجانی برخورد کرده و عصبانی شدن، انکار موقعیت، فرار و اجتناب از موقعیت را برای مقابله با فشار روانی و مشکلات انتخاب می‌کنند. افرادی که دارای سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار (تلاش شناختی بیرونی) می‌باشند، به جستجوی اطلاعات بیشتر درباره مسئله، تغییر ساختار مسئله از نظر شناختی، محاسبه و اولویت دادن به حل مسئله می‌پردازند. در واقع سه متغیر سبک‌های دلبستگی، طرح‌واره‌ها و سبک مقابله‌ای می‌توانند با هم در ارتباط باشند. چون سبک‌های دلبستگی به دوران کودکی بر می‌گردد، چنانچه در این دوران نیازهای کودکان برآورده نشود منجر به ایجاد طرح‌واره ناسازگار می‌شود. افراد برای مقابله با نیازهای برآورده نشده یک سبک مقابله‌ای بر می‌گزینند.

نتایج این تحقیق نشان داد، درست است که دو به دوی این متغیرها با هم در ارتباط می‌باشند ولی طرح‌واره به عنوان یک متغیر میانجی بین سبک‌های دلبستگی و سبک مقابله‌ای عمل نمی‌نماید. در تکمیل مطالب بیان شده دلیلی که طرح‌واره ناسازگار اولیه نمی‌تواند به عنوان یک متغیر میانجی عمل نماید می‌تواند موارد ذیل باشد:

1- در تحلیل میانجی‌گری، تحلیل برای دو متغیر، دو طرفه نمی‌باشد و یک طرفه است. یعنی میانجی یک متغیر سوم است که مسئول همه یا بخشی از رابطه بین یک پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی) و یک پیامد (سبک‌های مقابله‌ای) است. ماهیت رابطه دارای متغیر میانجی به این صورت است که متغیر پیش‌بین روی متغیر سوم که میانجی نامیده می‌شود تاثیر علی دارد و متغیر میانجی به نوبه خود روی پیامد (سبک‌های مقابله‌ای) تاثیر علی دارد. به عبارت دیگر متغیرهای میانجی اثر یک متغیر را به متغیر دیگر منتقل می‌کنند.

2- از سوی دیگر در تحلیل میانجی ابتدا باید متغیر پیش‌بین روی متغیر پیامد تاثیر داشته باشد و در ادامه متغیر پیش‌بین وارد الگو شود تا ببینیم که همه یا بخشی از اثرات متغیر پیش‌بین توسط متغیر میانجی ارزیابی شده است (پهلوان شریف و مهدویان، ۱۳۹۴) و در پژوهش ما متغیرها دو به دو رابطه دارند.

نتایج نشان داد ارتباط معنادار بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. این یافته همسو با نتایج تحقیقات پلاتس و همکاران (۲۰۰۲)، اصغری، و همکاران (۱۳۹۴)، نصیرزاده و کراسکیان (۱۳۹۶)، جلالوند، سهرابی، دارابی، راستگو و اعظمی (۱۳۹۵)، پیوسته‌گر، خسروی و کرمی (۱۳۹۵)، هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی (۱۳۹۵)، حمیدی، شاره و حجت (۱۳۹۴)، افشاری، موتابی و پناغی (۱۳۹۴) و رولوفز، مسترس و موریس (۲۰۱۳) می‌باشد. همچنین یافته‌ها، رابطه‌ی منفی را بین سبک دلبستگی ایمن و طرح‌واره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد و خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری نشان دادند. یافته‌های رفیعی، حاتمی، فروغی (۱۳۹۰) نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی و ۴ طرح‌واره‌ی حوزه‌ی (بریدگی - طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری) رابطه‌ی مثبت وجود دارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرح‌واره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری، رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

۲۹۵

295

یانگ معتقد است که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از نیازهای برآورده نشده دوران کودکی به وجود آمده‌اند، که یکی از مهمترین این نیازها، نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران می‌باشد. مدل‌های دلبستگی با طرح‌واره‌های شناختی قدیمی یا عقاید ما در مورد خودمان و دیگران ارتباط نزدیک دارند و بر تعاملات بین فردی اثر گذاشته و از آنها تاثیر می‌پذیرند. در نتیجه منشأ پیدایش سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تجربیات کودکی می‌باشد که در رابطه با مراقبان شکل می‌گیرد. در واقع نوع سبک‌های دلبستگی و نیازهایی که در دوران کودکی برآورد نمی‌شوند منجر به بروز طرح‌واره‌ها می‌شود و در واقع این دو متغیر با هم در ارتباط می‌باشند.

رهاشدگی / بی‌ثباتی بالاترین میانگین طرح‌واره ناسازگار اولیه بود و اکثر مراجعین سبک دلبستگی دوسوگرا داشتند. این موارد در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که بی‌ثبات هستند یا به علت فقدان‌ها ایجاد شده‌اند، دارای خصوصیتی چون ترس از دست دادن روابط عاطفی خود دارند. جدایی‌های موقت آن‌ها را سخت برآشفته می‌کند (یلانگ،

کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳). بنابراین فرد تمایل دارد هر چه سریع‌تر از شر این احساسات خلاص شود چون احساسات سبب درماندگی وی می‌شوند (لیهی، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندرز، ۱۳۹۱). این خود می‌تواند دلیلی برای گرایش به گروه‌های اجتماعی نامناسب و جهت جبران به سوءمصرف مواد روی آورد.

همچنین طرح‌واره ایثار در مراجعین بالا بود. طبق گفته‌های یانگ، و همکاران (۲۰۰۳) این طرح‌واره در افرادی که در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که مشروط دوست داشته شده‌اند و منزلت خانواده و ... مهمتر از نیازهای فرد بوده است. این امر سبب می‌شود این افراد در مورد وقایع مهم زندگی خود تصمیمات غیر قابل اطمینان اخذ کرده یا به طرد شدن، بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند. این خصوصیت‌ها در افراد دارای دلبستگی دوسوگرا نیز صادق است که تردید دارند آیا ارزش عشق ورزیده شدن و حمایت از سوی دیگران را دارند (بالبی، ۱۹۷۳). این‌ها دلایل مناسبی است که این افراد نمی‌توانند به خود اهمیت دهند و نتوانند نه بگویند و جهت جلب رضایت دیگران به مواد روی آورند.

طبق نتایج این تحقیق یکی دیگر از طرح‌واره‌های ناسازگاری که با دلبستگی دوسوگرا ارتباط مستقیم دارد عیب‌جویی افراطی است که نمره بالایی در مراجعین داشته است. طبق گفته یانگ (۱۹۹۴) افراد دارای این طرح‌واره برای رسیدن به معیارهای بلند پروازانه باید کوشش کنند تا انتقاد نشوند. این امر منجر به این می‌شود که فرد در لذت بردن، آرامش، احساس ارزشمندی و روابط رضایت‌مندانه دچار نقص شود. با خصوصیات افراد با دلبستگی دوسوگرا مثل عدم وجود اطمینان از ارزشمندی عشق‌ورزی و حمایت از طرف دیگران، فقدان ارتباط صحیح و داشتن تصویر منفی از خود (بالبی، ۱۹۷۳) مطابق است.

نتایج نشان داد بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای رابطه وجود دارد. این یافته همسویبا مطالعات رفیعی، و همکاران (۱۳۹۰) و خسروانی، و همکاران (۲۰۱۶)، اصغری، حمیدی، شاره و حجت (۱۳۹۴) و افشاری، و همکاران (۱۳۹۴) می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی میزان همبستگی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای نشان داد، بین طرح‌واره‌های بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار رابطه وجود

دارد. همچنين نتايج نشان داد، ارتباط بين طرح‌واره‌هاي برپيدگي و طرد، خودگرداني و عملکرد مختل با سبک مقابله‌اي مسئله‌مدار معنادار بوده است. در واقع طرح‌واره‌هاي ناسازگار اوليه که از نيازهاي برآورد نشده دوران کودگي نشات مي‌گيرد و منجر مي‌شود به اين که معتادان رنج ببرند و راه‌هايي را براي مقابله با اين کمبودها برگزينند که به سبک‌هاي مقابله‌اي معروفند و افراد براي رفع اين مشکلات از يکي از سبک‌هاي مقابله‌اي هيچان‌مدار يا مسئله‌مدار استفاده مي‌نمايند. به همين خاطر اين دو متغير با هم در ارتباط مي‌باشند. با توجه به نتايج حاصل از تحليل همبستگي و تحليل مسير مي‌توان گفت ارتباط معناداري بين سبک‌هاي دلبيستگي و سبک‌هاي مقابله‌اي وجود دارد.

نتايج نشان داد بين سبک‌هاي دلبيستگي و سبک‌هاي مقابله‌اي رابطه وجود دارد که همسو با مطالعات تمنايي فر و صنعتکارفر (۱۳۹۵)، بشارت و شالچي (۱۳۸۶) و اونز، ون و بکر (۲۰۱۱) مي‌باشد. افراد داراي سبک دلبيستگي ايمن به خود و ديگران اعتماد دارند، به آساني رابطه برقرار مي‌کنند، از ارتباطات خود لذت مي‌برند، نگران طرد شدن نيستند، داراي ثبات هستند، در روابطشان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد. درباره خود و ديگران احساس ارزشمندی دارند. اين ويژگي‌ها افراد ايمن را در جلب کمک و مساعدت کمک مي‌نمايند. با اين اوصاف چنانچه افراد در معرض مشکلي قرار بگيرند با مشکل به صورت منطقي برخورد مي‌کنند و سعی مي‌نمايند مسئله را حل نمايند. حال چنانچه يک فرد معتاد داراي دلبيستگي ايمن باشد، امکان دارد که اين اتفاق نيفتد. اما در اين مطالعه افراد داراي سبک دلبيستگي ايمن داراي سبک مقابله‌اي مسئله‌مدار بودند که همسو با مطالعه تمنايي فر و صنعتکارفر (۱۳۹۵) بود. همچنين در اين مطالعه سبک دلبيستگي دوسوگرا بالاترين نمره را به خود اختصاص داد. يعنی معتادان مورد مطالعه در جستجوي مراقبت بالا، صميميت، پذيرش و پاسخ‌گويي از جانب شريکان مي‌باشند. وابستگي بيش از حد دارند. افراد با دلبيستگي دوسوگرا کمتر مي‌توانند به ديگران اعتماد کنند، ديدگاه‌هاي مثبت کمتری نسبت به خود و ديگران دارند. سطوح بالايي از ابراز هيچان، نگراني را نشان مي‌دهند. به همين دليل در صورت بروز مشکل با مشکلات به صورت هيچان‌مدار برخورد مي‌نمايند.

یافته‌های پژوهش گران درباره ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله نشان می‌دهد که نظام دلبستگی بزرگسالان تحت شرایط تنیدگی‌زا، فعال و موجب می‌شود که افراد دارای الگوی ذهنی دلبستگی متفاوت بر اساس شیوه‌هایی که در گذشته آموخته یا تقویت شده‌اند به نظم‌دهی هیجانی و مقابله با عوامل استرس‌زا بپردازند (بروماریو و کرنز، ۲۰۱۰؛ و کولونسی و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج مطالعه تمنایی فر و صنعتکارفر (۱۳۹۵) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سبک مقابله مسئله‌مدار رابطه مثبت و با سبک مقابله هیجان‌مدار رابطه منفی دارد. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا با سبک مقابله مسئله‌مدار رابطه منفی و با سبک مقابله هیجان‌مدار رابطه مثبت دارد و سبک دلبستگی اجتنابی فقط با سبک مقابله هیجان‌مدار رابطه مثبت دارد. بشارت و شالچی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای نشان داد بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله با تنیدگی رابطه وجود دارد.

با توجه به این که پژوهش حاضر در بین معنادان مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان ابهر انجام شده، نمی‌توان نتایج حاصل از آن را به سایر شهرهای کشور تعمیم داد. از آنجائی که اکثر مراجعه‌کنندگان به مراکز ترک اعتیاد تحصیلات ابتدایی و زیردیپلم داشتند در تعمیم نتایج به افراد با تحصیلات بالا با احتیاط عمل شود.

از آنجائی که از بین سبک‌های دلبستگی، دلبستگی دوسوگرا از همه مهم‌تر بوده و مقدار متوسط آن از دلبستگی‌های نایمن اجتنابی و ایمن بیشتر بود، پیشنهاد می‌شود، مهمترین عوامل ایجادکننده این سبک دلبستگی شناسایی شده تا سیاست‌های لازم در جهت افزایش دانش پیشگیری از اعتیاد افراد اتخاذ شود. شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در معنادان وابسته به چگونگی رفتار والدین با کودکان است. پیشنهاد می‌شود جلسات مشاوره در قبل از به دنیا آمدن فرزندان و در طول دوره زندگی برای والدین گذاشته شود. لازم است برنامه‌های جامع و کاملی به منظور کاهش آمار اعتیاد و همچنین پیشگیری از آن، از سوی متخصصان طرح‌ریزی و اجرا شود. از آنجائی که انتخاب نوع سبک‌های مقابله‌ای در زندگی افراد تاثیر گذار می‌باشد، پیشنهاد می‌شود، عوامل شکل‌گیری این سبک مقابله‌ای به عنوان مهارت‌های زندگی برای نوجوانان، جوانان و والدین آموزش داده شود

منابع

اسماعیلی، معصومه (۱۳۸۷). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، نگرش ناکارآمد و راهبردهای مقابله‌ای در افراد دارای فشار خون اساسی با افراد عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
 اصغری، فرهاد؛ علی‌پور، گیتا و صیادی، علی (۱۳۹۴). پیش‌بینی تغییرپذیری افراد معتاد به تریاک از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۹(۳۵)، ۹۸-۸۵.

افشاری، زینب؛ موتابی، فرشته و پناغی، لیلی (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی. روان‌شناسی خانواده، ۲(۱)، ۷۰-۵۹.
 برک، لورا (۲۰۰۷). روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۱). تهران، انتشارات ارسباران.

بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی و مکانیزم‌های دفاعی. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، ۸(۱،۲)، ۳۴-۲۶.

بشارت، محمدعلی؛ شالچی، بهزاد (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و مقابله با تنیدگی. مجله روان‌شناسان ایرانی، ۳(۱۱)، ۲۳۵-۲۲۵.

پهلوان شریف، سعید و مهدویان، وحید (۱۳۹۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری با AMOS انتشارات پیشه، نوبت چاپ اول.

پیوسته‌گر، مهرانگیز؛ خسروی، زهره و کرمی، الهه (۱۳۹۵). پیش‌بینی خشونت مردان علیه همسرانشان بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی آن‌ها. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۴۵، ۲۴-۷.

تمنایی‌فر، محمدرضا و صنعتکارفر، مریم (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله در دانش‌آموزان، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

جانسون، سوزان ام و ویفن، والرئ ای (۲۰۰۳). فرآیندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات دانژه.

جزایری، علیرضا؛ هزیر، فرهاد؛ پورشهباز، عباس و رضایی، منصور (۱۳۸۳). رابطه اختلالات شخصیت ضد اجتماعی و مرزی با اعتیاد به مواد مخدر در مردان ۱۸ تا ۳۵ ساله کرمانشاهی. مجله حکیم، ۱(۷)، ۵۴-۴۹.

جلالوند، محمد؛ سهرابی، فرامرز؛ دارابی، افسانه؛ راستگو، ناهید و اعظمی، یوسف (۱۳۹۵). نقش واسطه‌گری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و افسردگی در دانشجویان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷(۲۵)، ۹۱-۱۱۰.

حاجیان، کریم‌اله؛ خیرخواه، فرزانه و فلاطونی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی همه‌گیری شناختی اعتیاد در معتادان خود معرف مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، ۲۲(۸۷)، ۳۰-۲۲.

حمیدی، سمیه؛ شاره، حسین و حجت، سید کاوه (۱۳۹۴). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در زنان مبتلا به واژینیسوس و زنان عادی. *مجله زنان مامائی و نازائی ایران*، ۱۸(۱۵۶)، ۹-۱۸.

رفیعی، سحر؛ حاتمی، ابوالفضل و فروغی، علی اکبر (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۱)، ۲۱-۳۶.

قاسم‌زاده، حبیب‌اله (۱۳۸۷). شناخت عاطفه، جنبه‌های بالینی و اجتماعی. تهران، انتشارات فرهنگان. لاهی، رابرت (۲۰۰۳). تکنیک‌های شناخت درمانی راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۱)، تهران، انتشارات ارجمند.

محمود علیلو، مجید (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در معتادان HIV مثبت. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۱، ۷۶-۷۰.

مسعودی، شاهد؛ حاتمی، حمیدرضا؛ مدرس غروی، مرتضی و بنی جمالی، شکوه (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و اضطراب مرگ در بیماران مبتلا به سرطان. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۰(۳۹)، ۴۶-۳۷.

مسکنی، کاظم و جعفر زاده فخار، مهدی (۱۳۸۷). بررسی شیوع عوامل خطر در اعتیاد و ترک اعتیاد معتادان خود معرف. *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، ۱۵(۳)، ۱۸۱-۱۷۶.

نصیرزاده، شیوا و کراسکیان، آدیس (۱۳۹۶). مقایسه رابطه میان طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ساز و کارهای دفاعی و تیپ شخصیتی D در افراد دارای دلبستگی ایمن و نایمن. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۷۷، ۱۰۵-۹۷.

هادی، سعیده؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نورعلی (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۲۸، ۶۰-۳۳.

یانگ، جفری؛ کلاسکو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳). طرح‌واره‌درمانی راهنمایی برای متخصصین بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۸۹). تهران، انتشارات ارجمند.

References

- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: clinical application of attachment theory*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (Eds.) (1973). *Attachment and loss: Vol. 2. Separation*. New York: Basic Books.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2010). Parent-child attachment and internalizing symptoms in childhood and adolescence: A review of empirical findings and future directions. *Development and psychopathology*, 22(1), 155-203.
- Colonesi, C., Draijer, E. M., Jan JM Stams, G., Van der Bruggen, C. O., Bögels, S. M., & Noom, M. J. (2011). The relation between insecure attachment and child anxiety: A meta-analytic review. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 40(4), 630-647.
- Csukly, G., Telek, R., Filipovits, D., Takács, B., Unoka, Z., & Simon, L. (2011). What is the relationship between the recognition of emotions and core beliefs: Associations between the recognition of emotions in facial expressions and the maladaptive schemas in depressed patients? *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 42(4), 129-135.
- Dozier, M., Stovall-McClough, K. C., & Albus, K. E. (2008). *Attachment and psychopathology in adulthood*.
- Feeney, B. C., & Kirkpatrick, L. A. (1996). Effects of adult attachment and presence of romantic partners on physiological responses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 267-283.
- Folkman, S., Lazarus, R. (1985). If it changes it must be a process: Study of emotion and coping during three stages of a college examination. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 150-170.
- Fuendling, J. M. (1998). Affect regulation as a stylistic process within adult attachment. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(3), 1-15.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic Love Conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Khosravani, V., Seidisarouei, M., & Alvani, A. (2016). Early maladaptive schemas, behavioral inhibition system, behavioral approach system, and defense styles in natural drug abusers. *Polish Annals of Medicine*, 23(1), 6-14
- Lazarus, S.R. (1993). Coping theory and research: Past, present, future. *Psychosomatic Medicine*, 55, 234-244.
- Lobbetael, J., Van Vreeswijk, M. F., & Arntz, A. (2008). An empirical test of schema mode conceptualizations in personality disorders. *Behaviour Research and Therapy*, 46(5), 874-860.

- Martin, R., & Young, J. (2010). Schema therapy. *Handbook of cognitive behavioral therapies*, PP. 315-346.
- Ouwens, M. A. A., Van Erp, E., & Bekker, M.H.J. (2011). Attachment styles, coping and emotional eating. *Journal of Appetite*, 57, 535-552.
- Platts, H., Tyson, M., & Mason, O. (2002). Early attachment and adult psychopathology: a review. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 9, 330-348.
- Rafaeli, E., Bernstein, D. P., & Young, J. (2011). Schema therapy: *The CBT distinctive features Series*. London and New York: Routledge.
- Roelofs, J., Onckels, L., & Muris, P. (2013). Attachment quality and psychopathological symptoms in clinically referred adolescents: The mediating role of early maladaptive schema. *Journal of Child and Family Studies*, 22, 377-358.
- Sheridan, C. L., & Radmacher, S. (1992). *A health psychology: Challenging the biomedical model*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (1994). *Stress and secure base relationships in adulthood*. In K Bartholomew & D. Perlman (Eds.), Attachment processes in adulthood: Advances in personal relationships (vol. 5, pp. 27-52). London: Jessica Kingsley.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S. (1992). Support-seeking and support-giving within couples in an anxiety provoking situation: the role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 434-446.
- Velasquez, M. M. (2001). *Group treatment for substance abuse*. New York Guilford press.
- Walburg, V., & Chiaramello, S. (2015). Link between early maladaptive schemas and defense mechanisms Lien entre schemas précoces inadaptes et mecanismes de defenses. *Revue Europeenne de Psychologie Appliquee/European Review of Applied Psychology*, 65(5), 221-226.
- Young, J. E. (1994). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach* (rev. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange).
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.